

مقاله پژوهشی:

ترور سپهبد سلیمانی:

مصادیق نقض فاحش اصول و موازین حقوق بین الملل

محمدرضا حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

چکیده

نیروهای نظامی آمریکا مستقر در عراق روز جمعه سوم ژانویه ۲۰۲۰ با چند فروند پهپاد، فرمانده سپاه قدس و تیم همراه وی را در نزدیکی فرودگاه بغداد به شهادت رساندند. ترور سپهبد سلیمانی در قلمرو سرزمینی عراق توسط نیروهای دولت ثالث، پرسش‌های متعددی را از منظر حقوقی مطرح کرده است. مهم‌ترین سوالات قابل طرح این است که این اقدام جنایتکارانه در پرتو اصول و قواعد حقوق بین‌الملل عام، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حقوق بشر و همچنین اسناد بین‌المللی از جمله منشور ملل متحد، موافقتنامه امنیتی سوفا ۲۰۰۸، کنوانسیون نیویورک ۱۹۷۳ و کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴ از چه وضعیتی برخوردار است؟ محقق در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری، مطالب مورد نیاز از منابع مربوط را گردآوری و سپس با روش تحلیل مضمون تلاش کرده تا به سؤالات مطرح شده در مورد ابعاد حقوقی این حادثه پاسخ گوید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اقدام آمریکایی‌ها در ترور سپهبد سلیمانی و تیم همراهش، نقض آشکار اصول منشور ملل متحد و ناقض بدیهی‌ترین اصول و قواعد حقوق بین‌الملل از جمله اصل عدم مداخله، اصل احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌ها، اصل منع توسل به زور، اصل مصونیت دولت‌ها و ارکان آنها، اصل ممنوعیت پرواز پهپاد بر فراز قلمرو هوایی سایر دولت‌ها، و مفاد توافقنامه امنیتی سوفا است. علاوه بر این آمران و عاملان این جنایت نمی‌توانند به استناد توسل به مفاهیم «قتل هدفمند» و یا دفاع مشروع پیش‌دستانه از زیربار مسئولیت بین‌المللی خود شانه خالی کنند.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشردوستانه بین‌المللی، قتل هدفمند، کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴، کنوانسیون نیویورک ۱۹۷۳،

موافقتنامه سوفا ۲۰۰۸.

مقدمه

دولت ایالات متحده در سحرگاه روز جمعه سوم ژانویه ۲۰۲۰ در اقدامی تروریستی و جنایتکارانه فرمانده ارشد نظامی ایران (سپهبد حاج قاسم سلیمانی) را در اطراف فرودگاه بغداد ترور کرد. وزارت خارجه آمریکا پس از این اقدام، با صدور بیانیه رسمی اعلام کرد که این امر به دستور مستقیم شخص دونالد ترامپ انجام شده و ادعا کرد سردار سلیمانی طرح‌هایی برای حمله به دیپلمات‌ها و کارکنان امریکایی در عراق و سراسر منطقه داشته است. در این بیانیه تصریح شده است: «فرمانده نیروی قدس مسئول مرگ صدها امریکایی و کارکنان نیروی ائتلاف و زخمی کردن صدها نفر دیگر است. وی در ماه‌های اخیر حملاتی به پایگاه‌های ائتلاف در عراق را طراحی کرده که منجر به مرگ و زخمی شدن چندین فرد امریکایی و عراقی شده، است». کاخ سفید نیز با انتشار این بیانیه به صراحت مسئولیت ترور شهید سلیمانی را پذیرفت و آن را «دفاعی قاطع به منظور ارباب ایرانیان برای ممانعت از حملات آتی دانست» (کلی پول^۱، ۲۰۲۰).

وزارت دفاع آمریکا نیز با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که این «اقدام به دستور ترامپ و به منظور پیشگیری از طرح‌های حملات آتی ایران بوده است» و ادعا کرد که: «قاسم سلیمانی مسئول مرگ صدها امریکایی و نیروهای ائتلاف و زخمی شدن هزاران نفر از جمله حمله راکتی ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹ به پایگاه امریکایی در نزدیکی شهر کرکوک است» (وزارت دفاع آمریکا^۲، ۲۰۲۰).

در گزارش رسمی ارائه شده از سوی برخی سناتورها به کنگره آمریکا، اظهارات و ادعاهای مقامات دولت ترامپ با تردیدهای جدی مواجه شد. در این گزارش آمده است که «مقامات دولتی کاخ سفید مدعی هستند که سلیمانی در حال طراحی حمله‌ای قریب‌الوقوع و قطعی بوده که جان امریکایی‌ها را به خطر می‌انداخته است، اما مدارک و شواهد محرمانه ارائه شده از سوی شماری از اعضای کنگره به صراحت این موضوع را تأیید نمی‌کند». در فراز دیگری از این گزارش آمده است که ترامپ در

۱ . Claypool

۲ . U.S Departme of Defense

مصاحبه‌ای در ۱۰ ژانویه ۲۰۲۰ م اظهار داشت: «بر این باور بوده که سلیمانی در حال طراحی حملات گسترده به چهار سفارتخانه آمریکا بوده، حال آنکه وزیر دفاع در ۱۲ ژانویه اظهار داشته گزارش مشخصی حاکی از وجود چنین تهدیدی را دریافت نکرده است (کلیتون^۱، ۲۰۲۰: ۲).

نماینده آمریکا در سازمان ملل در نامه خود به شورای امنیت، برخی اقدامات نظامی انجام شده از سوی ایران از جمله ساقط کردن پهپاد آمریکای MQ۴ در ۱۹ ژوئن ۲۰۱۹ و سایر عملیات‌های انجام شده در منطقه از جمله «حمله به کشتی تجاری در بندر فُجیره» در خلیج عمان، حملات موشکی و پهپادی به تأسیسات نفتی «آرامکو» عربستان سعودی که منجر به کشته شدن یک پیمانکار آمریکایی شد، مجروح کردن ۴ فرد خدماتی آمریکایی در عراق، و حمله ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹ کتائب حزب الله به سفارت آمریکا در بغداد را مبنایی برای توجیه اقدام نظامی خود در ترور سپهبد سلیمانی قرار داد.^۲

به‌طور کلی استدلال‌ات مقامات آمریکایی در توجیه ترور حاج قاسم سلیمانی، ناظر بر سه محور زیر است:

- این اقدام در قالب «دفاع مشروع» و در پاسخ به تعرض به نیروهای آمریکایی در عراق صورت گرفته است.
 - ترور سردار سلیمانی در قالب مبارزه با تروریسم صورت پذیرفته است (نیروی قدس سپاه از سال ۲۰۰۹ در فهرست سازمان‌های تروریستی (FTO)^۳ آمریکا قرار دارد).
 - ترور سردار سلیمانی به‌عنوان «اقدام پیش‌دستانه»^۴ و جلوگیری از برنامه‌ریزی او جهت حمله به سفارت آمریکا در عراق صورت گرفته است.
- دولت ایران نیز بلافاصله پس از این اقدام، طی نامه‌ای به شورای امنیت اعتراض خود را به

۱. Clayton

۲. www.state.gov, ۲۰۲۰

۳. Foreign Terrorist Organizations (FTOs)

۴. Preemptive.

این جنایت نشان داد. نماینده ایران در سازمان ملل، ضمن محکوم کردن این جنایت، آن را اقدامی برخلاف موازین حقوق بین‌الملل قلمداد کرد. همچنین در این نامه، اقدام آمریکا در تروریستی خواندن سپاه را عملی مغایر اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل از جمله اصل تساوی دولت‌ها دانست و بر حق ایران برای دفاع مشروع طبق منشور ملل متحد در برابر این اقدام ایالات متحده، تاکید نمود^۱.

ترور سردار قاسم سلیمانی و همراهان وی در خاک عراق، اقدامی جنایتکارانه و ضد حقوق بشری بود که در نوع خود بی‌سابقه بود که ضمن اینکه پرسش‌هایی زیادی را مطرح ساخت، استدالات و تفاسیر ارائه شده از سوی مقامات آمریکایی در توجیه این اقدام وحشیانه مورد انتقاد بسیاری حقوقدانان بین‌المللی قرار گرفت. برخی از سوالاتی که در این زمینه قابل طرح است اینکه این اقدام جنایتکارانه در چارچوب اصول و قواعد حقوق بین‌الملل عام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر و همچنین اسناد بین‌المللی از جمله منشور ملل متحد، موافقتنامه سופا ۲۰۰۸ میان ایالات متحده و دولت عراق، کنوانسیون اشخاص مورد حمایت بین‌المللی ۱۹۷۳ و کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴ چگونه قابل توجیه است؟ از این رو، پژوهش حاضر تلاش دارد تا این موارد را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و توجیحات مقامات ایالات متحده را مورد نقد قرار دهد.

روش تحقیق

رویکرد این تحقیق کیفی است و از منظر پارادایم از نوع تفسیری و انتقادی است. پژوهش حاضر از نظر روش در زمره تحقیقات توصیفی و اکتشافی است. این مقاله از منظر هدف تحقیق کاربردی - توسعه‌ای است؛ چراکه نتایج حاصل از این تحقیق مورد استفاده عملی مسئولان و فرماندهان نظامی کشور و تصمیم‌گیران در وزارت امور خارجه و بخش‌های حقوقی در نیروهای مسلح و قوه قضائیه قرار می‌گیرد. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و از ابزار فیش‌برداری و تحلیل متن کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای (موافقت‌نامه امنیتی سופا) و رویه قضایی استفاده شده است. همچنین

۱. www.undocs.org, ۲۰۲۰

ادبیات موضوع و اطلاعات نظری مورد نیاز از طریق جستجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی به دست آمده است. جامعه آماری این پژوهش جامعه اسنادی است که شامل کلیه اسناد حقوق بین‌الملل و مدارک مرتبط با موضوع که قابل دسترس باشند و همچنین اسناد و مدارک موجود در دستگاه‌های ذی‌ربط باشند. برای تجزیه و تحلیل متون جمع آوری شده، از روش روش تحلیل مضمون استفاده شده است. روش تحلیل مضمون روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و مضامین مندرج در متون است. بنابراین، می‌توان از این روش برای تجزیه و تحلیل داده‌های غیر عددی مانند صدا، تصویر، متن و غیره استفاده کرد. با این روش، تحلیل و نقد اسناد و معاهدات بین‌المللی، قوانین داخلی ایران، عراق و ایالات متحده، و توافقنامه امنیتی سوفا میسر می‌شود.

متغیرهای تحقیق

با توجه به اینکه تحقیق حاضر از نوع توصیفی و اکتشافی است، بنابراین محقق درصدد تعریف متغیرهای کمی و آزمون آنها نیست. لیکن مفاهیم کلیدی تحقیق توصیف و تبیین خواهند شد.

مبانی نظری پژوهش

۱- مفهوم شناسی

۱-۱ حقوق بشردوستانه بین‌المللی

حقوق بشردوستانه بین‌المللی (IHL) که گاهی به‌عنوان حقوق مخاصمات مسلحانه (LOAC) نیز شناخته می‌شود، مجموعه قواعدی است که درگیری‌های مسلحانه بین دولت‌ها و جنگ‌های داخلی را تنظیم می‌کند و از افرادی که درگیر جنگ نبوده‌اند یا از شرکت در خصومت‌ها دست کشیده‌اند محافظت می‌کند و ابزار و روش‌های جنگ را محدود می‌کند.

۲-۱ قتل هدفمند

«قتل هدفمند» به استفاده عامدانه و توأم با برنامه‌ریزی قبلی از قوای کشنده علیه شخصی اطلاق می‌شود که قبلاً محاکمه نشده باشد. همچنین به عملیاتی اطلاق می‌شود که فرد خاصی را نمی‌توان به اتهام ارتکاب به این عمل پای میز محاکمه کشاند (آهنی آمینه و ظریف، ۱۳۹۱: ۲).

۳-۱ پهپاد

براساس تعریف وزارت دفاع ایالات متحده، پهپاد یک نوع هواپیمای بدون سرنشین یا بالنی است که هدایت آن بدون دخالت مستقیم انسان بوده و قادر به پرواز کنترل از راه دور یا انجام عملیات به صورت خودکار است (مجد و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۱۱).

۴-۱ موافقنامه سوفا

«موافقنامه‌های تعیین وضعیت نظامیان در کشور میزبان» یا همان «توافقنامه سوفا» یک نوع توافقاتی است که بر اساس آن وضعیت حقوقی نیروی نظامی خارجی در سرزمین یک کشور دیگر و چارچوب عملکرد نیروهای مسلح در قلمرو کشور خارجی تعیین می‌شود (رمضانی قوام آبادی و پیری، ۱۳۹۷).

۲- مصادیق نقض حقوق بین‌الملل

۲-۱ نقض اصول منشور ملل متحد

منشور ملل متحد با تکیه بر اصل «عدم توسل به زور»^۱ دولت‌ها را از مداخله در امور یکدیگر باز می‌دارد. ماده ۲ منشور ملل متحد به تشریح اصول حاکم بر سازمان ملل متحد می‌پردازد. بند ۴ ماده ۲ منشور ممنوعیتی تام و مطلق را برای توسل به زور مقرر کرده است. این بند تمایزی مفهومی میان انواع مختلف استفاده از زور نظیر حمله مسلحانه، تجاوز،

۱. *Non-Use of Force*

۲. ماده ۲ بند (۴) چنین مقرر می‌دارد: «همه اعضاء باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید و استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت دیگر و یا به هر نحو مغایر با اهداف ملل متحد»

تهاجم، یا جنگ قائل نشده است؛ بلکه این مفهوم به‌طور مطلق به‌کار برده شده و هر نوع استفاده از زور که منتهی به نقض حاکمیت و تمامیت ارضی و یا استقلال سیاسی یک دولت شود را ممنوع اعلام کرده است (دلخوش و رستمی نژاد، ۱۳۹۳: ۲۹). با وجود این، به‌نظر می‌رسد اصل منع توسل به زور از استثنائاتی نیز برخوردار است که یکی از این موارد حق ذاتی «دفاع از خود» یا «دفاع مشروع» است (آلدر^۱، ۲۰۱۳: ۷۳). همچنین، واگذاری مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به شورای امنیت سازمان ملل، موجباتی را برای مداخله این سازمان در امور داخلی کشورها در مواردی خاص فراهم آورد. «اصل عدم مداخله»^۲ در امور داخلی کشورها نیز یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است که به‌موجب این اصل عموم کشورها از دخالت در امور یکدیگر منع شده‌اند. این اصل که مبنای آن را باید در حقوق بین‌الملل عرفی جستجو کرد در برخی از اسناد بین‌المللی نیز انعکاس یافته است؛ از جمله در بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد عدم مداخله سازمان ملل متحد در امور داخلی دولت‌ها پیش‌بینی شده و در اعلامیه‌های ۲۱۳۱ سال ۱۹۶۵ و ۲۶۲۵ سال ۱۹۷۰ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، عدم مداخله دولت‌ها در امور داخلی دولت‌های دیگر مقرر شده است (صادقی حقیقی، ۱۳۹۰: ۹۷).

براساس اصل منع توسل به زور و اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها، نیروهای نظامی ایالات متحده به هر دلیلی، حق مداخله در امور داخلی عراق را نداشته و تهاجم مسلحانه و تمامی اقدامات نظامی در خاک عراق علیه دولت ثالث و ارکان آن دولت، نقض آشکار موازین حقوق بین‌الملل است و از باب دفاع مشروع نیز قابل توجیه نیست.

۲-۲ نقض منشور جهانی حقوق بشر و دکترین قتل‌های فراقضایی

حمله پهبادی نیروهای ستکام به کاروان سردار سلیمانی، ناقض «اصل بنیادین حقوق بشر» نیز است؛ زیرا علاوه بر به قتل رساندن شهیدان سلیمانی و ابومهدی المهندس،

جان افراد بی‌گناه دیگری نیز در این حمله گرفته شد؛ درحالی‌که هیچ اتهامی متوجه آنها نبوده است. از جمله قواعد حقوق بشری که در این جنایت نقض شده‌اند، عبارتند از: بند ۱ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که در رابطه با صیانت از «حق حیات» است. وفق اصول اساسی حقوق بشر، محرومیت و یا به مخاطره‌انداختن حق حیات افراد، حتی در زمان مخاصمات مسلحانه نیز ممنوع است؛ چراکه این حق به‌عنوان حق اساسی انسانی شناخته شده و بر اساس قواعد بین‌المللی حقوق بشر «حق حیات» از جمله حقوق غیرقابل تعلیق است که در تمامی شرایط از جمله در اوضاع اضطراری نیز باید رعایت شود (طباطبایی و شارق، ۱۳۹۵: ۱۵۲). دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در آراء مشورتی مشروعیت تهدید و استفاده از سلاح هسته‌ای (۱۹۹۶)^۱ و در رای دیوار حائل (۲۰۰۴)^۲ اعلام کرد که حمایت‌های میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از جمله حق حیات در زمان مخاصمات مسلحانه نیز متوقف نمی‌شود. این دو رأی، هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارند که هم قواعد حقوق بشر و هم حقوق بشردوستانه، به‌صورت همزمان قابلیت اعمال دارند (قربان نیا، ۱۳۸۷: ۳۵۰). بنابراین، محروم کردن سردار سلیمانی و همراهانش از حق حیات از سوی نیروهای آمریکایی، اقدامی خودسرانه، غیرقانونی و نامشروع است. اقدامی که فارغ از ادعای «قتل هدفمند» یا هر دکترین دیگری، می‌توان آن را به‌عنوان نقض اصول اساسی حقوق بین‌الملل از جمله منع سلب حیات به‌عنوان قاعده آمره و متعاقب آن نقض حقوق بشر دانست (ملزر^۳، ۲۰۰۸: ۵).

«قتل هدفمند» در واقع استفاده از زور برای کشتن فرد است و یک شیوه «ترور» محسوب می‌گردد، چراکه مقتول به صورتی غافلگیرانه و بدون هیچگونه محاکمه کشته می‌شود. در حقیقت، قتل هدفمند به در آن افراد به صورتی عامدانه توسط نیروهای دولتی به قتل می‌رسند. بدیهی است این حق «تنها به پلیس» اعطا شده و توسل به آن صرفاً در موارد

۱. ICJ, "Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons", (Advisory Opinion of July ۸, ۱۹۹۶), ۳۵ ILM ۸۰۹ & ۱۳۴۳.

۲. ICJ, "Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, ICJ GL No ۱۳۱, [۲۰۰۴] ICJ Rep ۱۳۶, (۲۰۰۴)

۳. Melzer

حاد و شرایط اضطراری مانند دفاع مشروع از جان خود و یا دیگری، قابل توجیه است (پلاو^۱، ۲۰۰۸: ۴). تفاوت اساسی «قتل هدفمند» با موارد استفاده از زور توسط پلیس و سربازان، آن است که در مورد فرد یا افراد مورد هدف، از قبل توسط مقامات عالی‌رتبه سیاسی و یا نظامی کشور به‌عنوان هدف شناسایی می‌شوند، در حالی که افراد شرور و یا سربازان دشمن، به‌صورت ناشناس و با توجه به موقعیت اضطراری و یا حضور در میدان نبرد، مورد هدف قرار می‌گیرند.

«فیلیپ آلستون» گزارشگر ویژه اعدام‌های خودسرانه و فراقضایی سازمان ملل متحد، مدعی است که عملیات کشتن تروریست‌ها بدون آنکه در دادگاه به‌صورت منصفانه محکوم شده باشند، نقض «دادرسی عادلانه» و «حق حیات» می‌باشد.^۲ همچنین خانم آگنس کالامارد، گزارشگر فعلی سازمان ملل در این موضوع نیز ترور قاسم سلیمانی و تیم همراه را غیرقانونی و ناقض مقررات حقوق بین‌الملل بشر می‌داند و «اعدام‌های فراقضایی» را نوعی «قتل هدفمند و یکی از اشکال آن» تلقی می‌کند و آن را مغایر مقررات حقوق بین‌الملل بشر می‌شمارد. همچنین از منظر کالامارد، استفاده از پهپادها و سایر تجهیزات نیز برای ترور هدفمند به‌هیچ‌وجه قانونی نیست (کالامارد^۳، ۲۰۲۰). سایر حقوقدانان نیز در این خصوص اشاره دارند که اقدام به ترور هدفمند، هیچ انطباقی با حمله قریب‌الوقوعی ندارد که حقوق بین‌الملل برای توجیه اقدام در جهت دفاع از خود ضروری بداند (شاو^۴، ۲۰۰۸: ۳۸). البته همانگونه که اشاره شد «قتل‌های هدفمند» عموماً حق بر حیات و چارچوب حقوقی و قانونی را نقض می‌کنند؛ چرا که این اعمال، متضمن کشتن فرد بدون دادرسی عادلانه و محاکمه قضایی است و این امر در اسناد حقوق بشری ممنوع تلقی شده است (حاتمی، ۱۳۹۷: ۹۹). از این‌رو، بر اساس قواعد بین‌المللی حقوق بشر، استفاده از تسلیحات مرگبار تنها زمانی می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد که برای دور کردن یک

۱. Plaw

۲. UNCHR, ۲۰۰۴

۳. Callamard

۴. Shaw

تهدید جدی به این تجهیزات نیاز اساسی وجود داشته باشد. بنابراین مسلم است که دولت‌ها حق ندارند تحت عناوینی همچون «قتل هدفمند»، مقامات و فرماندهان نظامی دولت‌ها را مورد هدف قرار دهند (عزیزی، ۱۳۹۹: ۲۱).

البته دولت آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی مدعی هستند که همواره در وضعیت جنگی با تروریسم قرار دارند و از این رو توسل به زور و ترورهای هدفمند افراد مظنون و متهم به تروریسم را بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه توجیه می‌کنند؛ اما تعداد قابل توجهی از دولت‌ها و صاحب‌نظران با این سیاست و رویکرد مخالف هستند. اکثریت حقوقدانان بین‌المللی معتقد هستند که اقدامات ضد تروریستی در چارچوب قواعد حاکم بر دوران جنگ قرار نمی‌گیرند و باید از سازکارهای حقوق کیفری داخلی برای مبارزه با تروریسم استفاده کرد. مضاف بر اینکه، ترورهای هدفمند معمولاً نه در پاسخ به ارتکاب اعمال گذشته تروریستی، بلکه بعنوان پیشگیری از اقدامات خرابکارانه آتی تروریست‌ها انجام می‌شود که آشکارا با موازین حقوق بین‌الملل در تعارض است (گیورا^۱، ۲۰۰۴: ۳).

۳-۲ نقض اصول و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی

۲-۳-۱ نقض اصل تفکیک

مهم‌ترین اصلی که به باور مخالفین، در عملیات ترور هدفمند، نقض می‌شود اصل تفکیک است؛ زیرا به بهانه ترور اهداف مشخص، بسیاری از غیرنظامیان نیز کشته یا مجروح می‌شوند. نمونه‌های زیادی از این موارد را می‌توان در اقدامات ایالات متحده در کشورهای افغانستان، پاکستان و عراق مشاهده کرد. با عنایت به ماده (۵) کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ اصل بر غیرنظامی بودن افراد است. ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، تنها در صورتی یک غیرنظامی می‌تواند مورد حمله قرار گیرد که ب صورت مستقیم در مخاصمات شرکت کند و این حمله فقط محدود به زمان درگیری است. پس غیر نظامیان در زمان وقوع مخاصمه مسلحانه تا زمانی که در مخاصمه مشارکت

۱. Guiora

مستقیم داشته باشند از تعرض مصون هستند (استین^۱، ۲۰۰۳: ۱۲۸). با توجه به اینکه در زمان انجام عملیات فرودگاه بغداد، هیچ مخاصمه‌ای بین ایران و آمریکا در جریان نبوده است، وفق کنوانسیون‌های ژنو که تصریح دارند «اصل بر غیرنظامی بودن افراد است»، بنابراین ترور سردار سلیمانی در سمت یک دیپلمات و مامور ویژه کشورمان به عراق، مصداق بارز نقض اصل تفکیک است.

۲-۳-۲ نقض اصل تناسب

طبق «اصل تناسب»، خسارت و صدمات ناشی از حمله به اهداف نظامی در مقایسه با مزیت‌ها و فواید نظامی مستقیم و قطعی که از آن حمله به دست می‌آید، نباید بیش از حد لزوم باشد. براساس این اصل، حملات نظامی به اهداف مشروع نظامی در صورتی که موجب مرگ تصادفی غیرنظامیان، زخمی شدن و ایراد آسیب و خسارت به اهداف غیرنظامی شود در مقایسه با مزیت‌های نظامی مشخص و مستقیم پیش‌بینی شده، اگر زیاده از حد باشد، ممنوع است؛ حتی هنگام طراحی حمله به اهداف مشروع همچون نیروهای دشمن نیز باید از ابزار و روش‌هایی بهره گرفت که منتج به ناتوان‌سازی و خارج کردن نیروهای دشمن از جبهه نبرد شود و تا حد امکان نباید به کشته شدن آنها بیانجامد (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۲). ترور شخصیت‌های سیاسی-نظامی توسط ایالات متحده و رژیم صهیونیستی که به بهانه مبارزه با تروریسم و بدون برآورد خسارات احتمالی، انجام می‌گیرد در واقع نقض آشکار این اصل بنیادین حقوق بشردوستانه و تمسخر قواعد حاکم بر جنگ است.

۲-۳-۳ اصل ضرورت نظامی

ضرورت نظامی از یک سو و ملاحظات بشردوستی از سوی دیگر، دو اصل اساسی جنگ است که بر اساس آنها، حقوق بشردوستانه بین‌المللی شکل گرفته است. ملاک در توازن میان ضرورت نظامی و ملاحظات انسانی، اولویت با صیانت و حفظ کرامت بشریت خواهد بود و در صورت تضمین این قاعده آمره بین‌المللی می‌توان با رعایت

۱. stein

ضوابط و ملاحظات به اصل ضرورت نظامی متوسل شد (عوض‌پور، ۱۳۹۵: ۲۷). اصل ضرورت نظامی ایجاب می‌کند که حملات مسلحانه تنها در طول جنگ و صرفاً به اهداف نظامی محدود شود و هرگونه عملیات تهاجمی باید دربردارنده مزیت نظامی مشخص و قطعی برای طرف مخاصمه باشد. در عملیات نظامی فرودگاه بغداد نخست اینکه هیچ مخاصمه‌ای بین ایران و ایالات متحده در جریان نبوده و سردار سلیمانی به دعوت رسمی دولت عراق به این کشور وارد شده است، سپس هیچ مزیت نظامی مشخص و قطعی ناشی از حمله پهپادی برای نیروهای نظامی آمریکایی در پی نداشته است. از این رو قطعاً این اصل اساسی حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط نیروهای نظامی آمریکا، نقض شده است.

۲-۴ نقض کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴

طبق موازین حقوق بین‌الملل، هر دولت، حاکمیت کامل و انحصاری بر قلمرو هوایی خود را دارد. اصل حاکمیت هوایی دولت‌ها در ماده ۱ کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴ تثبیت شده و طبق ماده (۲) این کنوانسیون، «قلمرو هوایی دولت‌ها» شامل فضای بالای خاک و آب‌های سرزمینی مجاور تحت حاکمیت‌اش می‌شود. وفق ماده ۸ این کنوانسیون «هیچ هوایمای بدون خلبان نباید بدون اجازه مخصوص و طبق مقررات آن بر فراز کشورهای متعاقد دیگر پرواز نماید» (نواده توپچی، ۱۳۹۶: ۲۰). براساس این ماده، هیچگونه پهپادی حق پرواز بر فراز کشورهای دیگر را بدون اخذ اجازه قبلی ندارد.

به‌موجب توافقنامه سوفیا ۲۰۰۸ آمریکا، نیروهای نظامی آمریکا اجازه یافته‌اند تا در صورت هدف قرار گرفتن، اجازه انجام عملیات نظامی برای تأمین امنیت اتباع و پایگاه‌های خود را داشته باشد.^۱ از آنجا که مجوز پرواز پهپادهای آمریکایی از جانب پدافند هوایی عراق آنهم بدون حمل سلاح و صرفاً برای انجام گشت و شناسایی و حتی بدون اطلاع «مرکز فرماندهی عملیات مشترک» صادر شده بود از این رو، پرواز پهپادهای مسلح

۱. http://www.armscontrolcenter.org/Policy/Iraq/articles/112408_how_comfortable_Iraq_sofa/

جهت انجام عملیات ترور ضمن نقض «اصل حاکمیت عراق» بر قلمرو هوایی خود، ناقض ماده ۸ کنوانسیون شیکاگو و همچنین ناقض مصوبه شورای امنیت کشور عراق بوده است.

۲-۵ نقض توافقنامه امنیتی (سופا ۲۰۰۸)

پس از هجوم ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ و سرنگونی حکومت صدام در این کشور، ایالات متحده به‌عنوان قدرت اشغالگر زمام امور در این کشور را به‌دست گرفت. پس از تشکیل حکومت، در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۸ موافقتنامه امنیتی میان ایالات متحده و دولت عراق (توافقنامه سופا) در ۳۰ ماده منعقد شد.^۱ برخی از مهم‌ترین مواد موافقتنامه سופا میان ایالات متحده و عراق که به حادثه شهادت سردار سلیمانی ارتباط دارند، به شرح زیر است:

بند (۲) ماده (۴) این توافقنامه، تصریح می‌کند که هر عملیات نظامی باید با موافقت دولت عراق و هماهنگی کامل با نیروهای عراقی انجام شود و مقرر شده است که هرگونه عملیات نظامی نباید خدشه‌ای به حاکمیت و منافع ملی عراق، آنگونه که دولت عراق تعریف می‌کند، وارد شود. همچنین نیروهای نظامی ایالات متحده ملزم هستند تا قوانین، عرف‌ها و سنت‌های عراق و همین‌طور «حقوق بین‌الملل قابل اعمال» را رعایت کنند. بنابراین تمام عملیات‌های نظامی که بر اساس این موافقتنامه انجام می‌گیرند باید با توافق دولت عراق باشد. هرگونه عملیات‌های نظامی باید پس از هماهنگی کامل با مقامات عراقی انجام شود. نهادی به نام "کمیته هماهنگی عملیات‌های نظامی مشترک"^۲ که بر اساس همین موافقتنامه میان طرفین تأسیس خواهد شد به این موضوع نظارت خواهد داشت. همچنین، مطابق ماده ۹، دولت عراق باید هر ساله اجازه لازم برای فرود آمدن و برخاستن هواپیماهای ایالات متحده و حرکت وسایل نقلیه، کشتی‌ها و هواپیماهای نیروهای

۱. در ژانویه ۲۰۰۹ عراق کنترل منطقه سبز بغداد را به دست گرفت و نوری مالکی، نخست‌وزیر وقت این کشور، آن را روز حاکمیت عراق نامید. البته در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۸ پس از ماه‌ها مذاکره، سفیر ایالات متحده آمریکا، ریان کروکر وزیر خارجه عراق هوشیار زیباری، دو سند را امضا کردند: یکی «موافقتنامه چارچوب راهبردی برای روابط دوستانه و همکاری میان ایالات متحده آمریکا و عراق» و دیگری «توافقنامه میان ایالات متحده آمریکا جمهوری عراق در باره خروج نیروهای آمریکا از عراق و سازماندهی فعالیت‌های آنها طی حضور موقتشان در عراق». البته موافقتنامه دوم به عنوان جزئی از توافقنامه اول محسوب می‌شود.

۲. "Joint Military Operations Coordination Committee (JMOCC)"

نظامی ایالات متحده در سرزمین عراق را صادر کنند (شیرزاد، ۱۴۰۰: ۸۱). همچنین وفق بند (۴) ماده (۲۴) موافقتنامه، ایالات متحده آمریکا حق حاکمیت عراق را در هر زمان برای درخواست خروج نیروهای آمریکایی از این کشور به رسمیت می‌شناسد (فضایلی، ۱۳۹۹: ۱۶۱).

۲-۶ نقض کنوانسیون نیویورک در خصوص اشخاص مورد حمایت بین‌الملل

«کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی» (۱۹۷۳) به‌عنوان یکی از کنوانسیون‌های فراگیر بین‌المللی با ۱۸۰ دولت عضو است که هدف آن حمایت از اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأمورین سیاسی و «مأمور ویژه» است و در قضیه شهادت سپهد سلیمانی قابل اعمال است. همانگونه که از عنوان این کنوانسیون بر می‌آید، مقامات ارشد نظامی در سمت «فرستاده ویژه» یا «مأمور ویژه» را می‌توان بر اساس بند ب از ماده (۱) این کنوانسیون به‌عنوان «شخص حمایت شده بین‌المللی» تلقی کرد. از جمله تعهداتی که در این کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته، ماده ۳ است که براساس این ماده دولت‌ها موظفند نسبت به جرم‌انگاری و تعقیب اشخاصی که تعهدات ناشی از این کنوانسیون را نقض کنند، اقدامات لازم را انجام دهند. همچنین وفق ماده ۷ دولت‌ها باید اتباعشان را که مرتکب جرایم و اعمال مندرج در این کنوانسیون نسبت به افراد مورد حمایت بین‌المللی شوند، به‌دست عدالت بسپارند و محاکمه کنند؛ در غیر این صورت باید این افراد را به کشور زیان‌دیده مسترد کنند. بر اساس ماده (۲) این کنوانسیون ارتکاب عامدانه، شامل مواردی از جمله قتل و هرگونه حمله به شخص یا آزادی وی است (بذار و امینی، ۱۳۹۹: ۱۶).

ایران در سال ۱۹۷۸ و ایالات متحده در سال ۱۹۷۶ به این کنوانسیون ملحق شده‌اند. دولت عراق نیز در ۱۹۷۸ به این کنوانسیون پیوسته و به لحاظ قانونی طبق بند (۲) ماده (۲) این کنوانسیون، امکان تعقیب این جرائم را دارد؛ به خصوص اینکه طبق موافقتنامه ۲۰۰۸ سوفا دولت عراق نیز امکان اعمال صلاحیت قضایی خود نسبت به جرائم ارتكابی نیروهای آمریکایی در خارج از اماکن و پایگاه‌های مستقر در عراق را محفوظ داشته است. ضمن

اینکه دولت عراق به واسطه عضویت در کنوانسیون ملزم است تا مطابق ماده ۳ نسبت به جرم انگاری و تعقیب اشخاصی که تعهدات ناشی از این کنوانسیون را در خاک عراق نقض کرده‌اند، اقدامات قضایی لازم را انجام دهد (بارکر^۱، ۲۰۱۱: ۱۲۱). به علاوه در این رابطه می‌توان به مقررات کنوانسیون مأموریت‌های ویژه (۱۹۶۹)^۲ مراجعه کرد که به موجب آن دولت‌ها مکلف هستند در قوانین داخلی خود اینگونه اقدامات را جرم‌انگاری کرده و نسبت به مجازات مرتکبان و یا استرداد متهمین اقدام کرده یا با یکدیگر همکاری کنند.

پرسشی که ممکن است در خصوص امکان «تعقیب اشخاص مرتکبی که دارای مصونیت قضایی هستند» مطرح شود، باید چنین اظهار کرد که از نظر اسناد حقوق بین‌المللی و رویه قضایی، شخصی که مرتکب اقدام تجاوزکارانه شده است یا مؤثر بر اقدامات نظامی یا سیاسی بوده است، به واسطه دارا بودن سمت رسمی، مصونیت قضایی دارد؛ این شخص پس از کنارگیری از سمت خود قابل تعقیب است (متراکس^۳، ۲۰۱۸: ۱۴). بر این اساس، شخص دونالد ترامپ یا دیگر مقامات کشوری و لشکری درگیر در این حادثه، واجد توصیف این مقررات هستند و در نظام‌های حقوقی آمریکا، عراق و ایران بعد از برکناری از سمت رئیس جمهوری و یا مقامات مصونیت‌دار قابل تعقیب و محاکمه هستند.

۲-۷ نقض معیارهای دفاع مشروع

به دنبال حمله پهبادی به خودرو حامل سردار سلیمانی، پنتاگون وزارت دفاع آمریکا در بیانیه‌ای اذعان کرد که این ترور به دستور شخص رئیس‌جمهور آمریکا صورت گرفته است. ترامپ نیز در نطقی اظهار داشت: «این اقدام، دفاع مشروع پیش‌دستانه بوده، زیرا سلیمانی به جهت برنامه‌ریزی و تدارک یک حمله به سفارت آمریکا به عراق سفر کرده است و آمریکا برای جلوگیری از خطر قریب‌الوقوع و خطرات پیش رو، این عملیات را انجام داده است» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۸).

۱. Barker

۲. Convention on Special Missions, ۱۹۶۹

۳. Mettraux

در بحث دفاع مشروع باید به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد اشاره کرد. ماده ۵۱ منشور ناظر به وجود و اعتبار حق دفاع مشروع از خود است؛ اما از مهم‌ترین شرط «دفاع مشروع»، این است که دفاع باید «ضروری» و «متناسب» و «فوری» با حمله‌ای باشد که صورت گرفته است. به این معنا که توسل یا تهدید به زور (آغاز عملیات نظامی دفاعی) نمی‌تواند فراتر از ابعاد حمله یا حمله‌های اولیه باشد (دن هول، ۲۰۰۳: ۷۶). در واقع زمانی یک کشور می‌تواند به دفاع مشروع متوسل شود که نخست، هیچ راه دیگری برای دفع تجاوز وجود نداشته باشد؛ سپس خطر، فوری بوده به طوری که فرصتی برای تأمل نباشد و عمل کشور مورد تجاوز معقول و متناسب با خطری باشد که آنها را تهدید می‌کند. به علاوه، شرط «ضرورت» نیز یکی از شروط سختگیرانه توسل به دفاع مشروع است که بر اساس آن، پاسخ نظامی دفاعی باید «آخرین راه حل»^۱ باشد (او کانل^۲، ۲۰۲۰). اگرچه وفق موازین حقوق بین‌الملل، استفاده از زور در مقام «دفاع از خود» به‌عنوان حقی ذاتی مورد شناسایی واقع شده است، ولی این حق به‌عنوان استثنایی بر اصل منع توسل یا تهدید به استفاده از زور تلقی شده و اینکه منوط به وجود و احراز شرایطی است که مثبت وجاهت و ضرورت آن باشد، در غیر این صورت مورد سوءاستفاده قرار خواهد گرفت (سوارت^۳، ۲۰۲۰: ۱۹).

حال باید دید اقدام نظامی آمریکا چه نسبتی با شرایط توسل به زور به‌عنوان دفاع مشروع دارد. ماده (۵۱) منشور ملل متحد که استثنای توسل به زور را به‌عنوان حق ذاتی در مقام دفاع از خود مقرر داشته، آن را مشروط به وقوع حمله مسلحانه دانسته است (دی ویز^۴، ۲۰۱۶: ۸۶). دولتی که مدعی است در مقام دفاع از خود علیه کشور دیگری به زور متوسل شده است، باید قربانی حمله مسلحانه از سوی کشور هدف بوده باشد. واقعیت دیگر اینکه با توجه به عدم وجود مخاصمه مسلحانه میان ایران و آمریکا، این حمله

۱ Last Resort

۲ O'Connell

۳ Swart

۴ DeWees

تروریستی را نمی‌توان و نباید در چارچوب قواعد حاکم بر حقوق مخاصمات مسلحانه یا حقوق بین‌الملل بشردوستانه بررسی کرد (فضایلی، ۱۳۹۹: ۱۶۸).

بر اساس آنچه گذشت، روشن و مسلم می‌شود که حمله هوایی آمریکا به سردار سلیمانی تحت عنوان دفاع مشروع یا در مقام «دفاع از خود» به نحو مقرر در ماده (۵۱) منشور ملل متحد و نیز حقوق بین‌الملل عرفی، توجیه‌پذیر نیست؛ زیرا مقامات آمریکایی هیچ اسناد و مدارکی دال بر اینکه آمریکا قربانی یک حمله مسلحانه قبلی قابل انتساب به ایران را ارائه نکرده‌اند؛ به‌همین دلیل مقامات آمریکایی در ادامه ادعاهای خود به طرح ادعای «حمله قریب‌الوقوع» مبادرت ورزیده و سعی در توجیه حمله نظامی خود در قالب دفاع «پیش‌دستانه» کرده‌اند که این دکترین هم از سوی بسیاری از حقوقدانان بین‌المللی قابل توجیه نیست.

۲-۸ نقض قطعنامه های شورای امنیت

هدف قرار دادن سردار سلیمانی و همراهانشان، مصداق بارز عملیات تروریستی دولتی است؛ به عبارت دیگر آمریکا در حالی دست به این اقدام جنایتکارانه زده که دولت‌های آمریکا و عراق و ایران، به‌رغم همه بحران‌های روابط میان ایران و آمریکا، در حالت جنگ نیستند؛ در نتیجه این حمله و کشتار، مصداق بارز جنایت تروریسم دولتی است که از سوی نیروهای آمریکایی صورت پذیرفته است. دستور صادره جهت ارتکاب عمل تروریستی دولت آمریکا، نقض فاحش بند (۱) قطعنامه ضد تروریسم ۱۲۶۹ مصوب ۱۹ اکتبر ۱۹۹۹ شورای امنیت است که مقرر داشته است: "همه اقدامات، روش‌ها و رویه‌های تروریسم را بدون توجه به انگیزه آنها، در کلیه مظاهر و اشکال آنها، در هر کجا و توسط هر کس که انجام شده باشد و خصوصاً آنهایی که ناقض صلح و امنیت بین‌المللی باشند، قاطعانه محکوم می‌کند".^۱ قسمت اخیر بند یک قطعنامه ۱۳۶۸ مصوب سال ۲۰۰۱ شورای امنیت بر محکومیت اقدامات تروریستی ناقض صلح و امنیت بین‌المللی و تروریستی بودن اینگونه اقدامات تأکید دارد.^۲ بعلاوه ارتکاب اقدام تروریستی با مفاد

۱ S/RES/۱۲۶۹:۱۹۹۹

۲ S/RES/۱۳۶۸: ۲۰۰۱

قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد در تناقض است.^۱ به ویژه آن که بند (۵) این قطعنامه تصریح دارد:

«اقدامات، روش‌ها و شیوه‌های تروریسم، خلاف اهداف و اصول سازمان ملل است و تأمین آگاهانه مالی، برنامه‌ریزی و تحریک اقدامات تروریستی نیز با اهداف و اصول سازمان ملل مغایرت دارد».

از این رو، نقض قطعنامه‌های مزبور به منزله تهدید جدی علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است و هدف گرفتن یک مقام ایرانی، آن هم به صورت آگاهانه، به عنوان یک رفتار در زمان جنگ تلقی نشده، بلکه به صورت قطعی این یک اقدام تروریستی است (خالقی، ۱۳۹۹: ۳۵).

۲-۹ نقض قوانین داخلی عراق

کشور عراق در سال ۲۰۰۵ قانونی تحت عنوان «قانون ضد تروریسم شماره ۱۳» را به تصویب رساند که امکان استفاده از ظرفیت‌های این قانون برای طرح دعوی خانواده‌های قربانیان حادثه تروریستی اطراف فرودگاه بغداد در دادگاه‌های کشور عراق وجود دارد. وفق ماده ۱ این قانون هر اقدام جنایی ارتکاب یافته توسط هر فرد که قانون آن را گروه سازمان یافته می‌شمارد و یا فرد یا گروهی که مردم یا گروه‌ها یا نهادهای رسمی و غیررسمی عراق را هدف قرار دهد و منجر به خسارت به اموال عمومی یا خصوصی شده، با هدف برهم زدن صلح، ثبات و وحدت ملی، ایجاد وحشت و ترس بین مردم و ایجاد آشوب برای دستیابی به آن هدف شود، در شمول اقدام تروریستی تعریف کرده است.^۲

«اهداف تروریستی حمله به ارتش و ادارات پلیس، مراکز داوطلبانه، ادارات امنیتی (بند ۵ ماده ۲) و حمله به سربازان نظامی یا مراکز پشتیبانی آنها، خطوط ارتباطی یا اردوگاه‌ها و پایگاه‌های آنها به عنوان اقدام تروریستی به‌شمار می‌آید و بنا بر بند (۱) همین ماده «انگیزه‌های تروریستی که وحدت ملی و ثبات جامعه را تهدید می‌کند و بر امنیت دولت و ثبات

^۱ S/RES/ ۱۳۷۳, ۲۸ September ۲۰۰۱

^۲ Anti-Terrorism Law, ۲۰۰۵: Art. ۱.

آن اثر می‌گذارد و یا توانایی خدمات امنیتی را در دفاع و حمایت از شهروندان، اموال آنها، اموال دولتی و نهادهای آنها را خواه از طریق تقابل نظامی با نیروهای دولتی یا هر عمل دیگری که موجب نقض آزادی بیان تضمین شده در قانون شود و یا امنیت دولت را خدشه‌دار نماید یا آن را تضعیف کند، اقدام تروریستی به‌شمار می‌آید (رشیدی و مشهدی، ۱۳۹۹: ۷۹). با توجه به اینکه بخشی از قربانیان این واقعه نیروهای نظامی و رسمی دولت عراق بوده‌اند و یا نیروهای رسمی ایرانی نیز به دعوت دولت قانونی عراق در این کشور حضور داشته‌اند، می‌توان این اقدام را تحت ماده (۱) این قانون، که موجب هدف قراردادن افراد و گروه‌های رسمی شده و بنا بر بندهای مذکور در مواد (۲) و (۳)، اقدامی بوده که امنیت و ثبات عراق را تهدید کرده است، در نتیجه اقدام آمریکا نقض حقوق داخلی عراق است.

تجزیه و تحلیل

آنچه مسلم است اینکه در ارتباط با حمله به کاروان سردار سلیمانی و تیم همراه، امکان توسل به ماده ۴۲ منشور ملل متحد برای توجیه اقدام نظامی وجود نداشته و شورای امنیت هیچ تصمیمی راجع به تجویز این حمله نظامی، اتخاذ نکرده است. از این روی، تنها راهی که آمریکا می‌توانست برای توجیه اقدام خود به آن متوسل شود، ادعای «دفاع مشروع پیش‌دستانه» بوده است. بر این اساس، مقامات رسمی آمریکا کوشیدند تا با تعبیر و تفاسیری غیرمتعارف و موسع از ماده ۵۱ منشور، این حمله را به‌عنوان دفاع از خود و نوعی دفاع مشروع پیشگیرانه توجیه کنند.

علاوه بر این دولت ایالات متحده ادعا کرد که از بین بردن سردار سلیمانی نه برای دفع تهدیدات آتی، بلکه برای «انتقام و تلافی» انجام شده است. اما در این ارتباط نیز موازین حقوق بین‌الملل معاصر هرگونه توسل به قاعده عرفی متروک «اقدام نظامی تلافی‌جویانه»^۱ را مجاز نمی‌داند (گیل^۲، ۲۰۰۶: ۳۶۸). همچنین رویه قضایی بین‌المللی و دکترین حقوقی، «دفاع مشروع پیشگیرانه» را نمی‌پذیرد و مشروعیت دفاع مشروع را در فرضی قبول می‌کند

۱ Armed Reprisal

۲. Gill

که در برابر حمله مسلحانه آنی صورت پذیرفته باشد و آنها هم واجد دو شرط ضرورت و تناسب باشد (رویز^۱، ۲۰۱۰: ۹۱). حتی برخی حقوقدانان طرفدار دفاع مشروع پیشگیرانه، توسل به این نوع دفاع را تنها در برابر بازیگران غیردولتی مجاز می‌دانند و خودشان نیز اعتراف دارند که رویه قضایی بین‌المللی از این نظریه دفاع نمی‌کند (رونزیتی^۲، ۲۰۰۶: ۳۵۷).

با توجه به رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری به نظر نمی‌رسد که توجیحات و استدلال‌ات مطرح شده از سوی طرف آمریکایی مورد پذیرش قرار بگیرد؛ چرا که دیوان همواره بر این مهم تأکید داشته است که دفاع مشروع صرفاً در مقابل حمله مسلحانه امکان پذیر است و دفاع مشروع که صرفاً نسبت به هدف نظامی مشروع انجام می‌شود همواره باید با حمله اولیه متناسب و برای پاسخ به آن باشد. همچنین، ادعاهای آمریکا در خصوص حمایت مادی و آماد و پشتیبانی ایران از گروه‌های نظامی همچون کتائب حزب الله و حشدالشعبی مردود است؛ چراکه دیوان در آراء و نظرات متعدد از جمله در قضیه «اقدامات نظامی و شبه نظامی آمریکا در نیکاراگوئه» (۱۹۸۶) بر این امر تأکید داشته است که صرفاً در صورت «کنترل مؤثر» دولت بر این گروه‌ها می‌توان اقدامات آنها را به دولت کنترل کننده منتسب کرد؛ در ضمن دفاع مشروع در روابط میان دو دولت قابل طرح است و ترور فرمانده نظامی دولتی که هیچ خصمه‌ای را آغاز نکرده است با ادعای دفاع مشروع در مقابل آن دولت، اقدامی ناقض شروط و ضوابط مندرج در ماده ۵۱ منشور است.

از سوی دیگر، سردار سلیمانی از فرماندهان نظامی عالیرتبه و از ارکان دولت ایران بوده است و توجیحات ادعایی آمریکا در چارچوب سیاست خارجی ایالات متحده مطرح شده است. از این رو، مسوولیت ارتکاب اعمال متخلفانه ماموران دولتی به موجب ماده (۴) طرح مسوولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب سال ۲۰۰۱ بر عهده دولت متبوع آن مامور (دولت آمریکا) است. اگر عمل انجام شده نیز وصف متخلفانه جزایی داشته باشد و جنایت جنگی

۱ . Ruys

۲ . Ronzitti

به‌شمار آید، مرتکب دارای مسئولیت کیفری فردی نیز خواهد بود که باید در دادگاه صالح کیفری داخلی یا بین‌المللی به آن رسیدگی شود.

با توجه به اینکه عمل مزبور به‌موجب منشور حقوق بشر، ناقض حق حیات و در مغایرت با ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و همچنین ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر است، مسئولیت حقوقی دولت آمریکا محرز است. به‌علاوه، این جنایت و عملیات تروریستی تحت هر عنوان و یا مفهومی همچون «قتل هدفمند»، ناقض تعهد قراردادی و نقض آشکار حقوق بین‌الملل عرفی نیز است. پس تردیدی باقی نمی‌ماند که مقامات کاخ سفید مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده‌اند که قابل انتساب به دولت ایالات متحده است (قاسمی و ستایش پور، ۱۳۹۹: ۲۱۰).

نتیجه‌گیری

عملیات نظامی آمریکا که در سوم ژانویه ۲۰۲۰ در حاشیه فرودگاه بغداد انجام شد و منجر به شهادت سردار سلیمانی، فرمانده عالی سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران و ابومهدی المهندس از فرماندهان حشدالشعبی عراق و همراهانشان شد، از جهات مختلف فاقد عنصر مشروعیت بوده و موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا و مسئولیت کیفری عوامل دخیل در این عملیات را در پی دارد. این حمله از منظر قواعد بین‌المللی حاکم بر توسل به زور بنا به دلایل متعدد، اقدامی غیرقانونی و نامشروع تلقی می‌شود؛ چراکه ناقض اصل منع توسل به زور به نحو مقرر در منشور ملل متحد بوده و امکان توجیه آن بر اساس هریک از استثنای پذیرفته‌شده در منشور(دفاع مشروع یا مجوز شورای امنیت) منتفی است. روشن است که تهاجم نظامی یادشده مستند به هیچ تصمیمی از سوی شورای امنیت ملل متحد نبوده و چنین ادعایی هم از سوی هیچ‌یک از مقامات آمریکایی مطرح نشده است. همچنین حمله نظامی آمریکا فاقد شرایط لازم برای توصیف در قالب دفاع مشروع بوده است؛ زیرا به این منظور آمریکا باید اثبات می‌کرد که قربانی یک حمله سابق منتسب به ایران بوده است که یا دست کم با حمله

قطعی قریب‌الوقوع از سوی ایران مواجهه بوده است. ادعای وجود طرح و برنامه و پیش‌بینی احتمال حمله نظامی در آینده، برای توجیه دفاع پیشگیرانه، نسبتی با قواعد و موازین حقوقی ناظر به توسل به زور ندارد و مورد تأیید رویه قضایی بین‌المللی و دکتترین حقوقی نیست.

نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نباید این عملیات تروریستی را تنها در حد «قتل فراقضایی» و یا نقض حق حیات فردی فروکاست یا تنها آن را مغایر با برخی تعهدات قراردادی دانست. براین مبنا، در نبود هیچ نوع مخاصمه مسلحانه‌ای میان دولت آمریکا و ایران در زمان حمله، رعایت قواعد حقوق بشر به‌عنوان ضوابط عمومی حاکم در زمان صلح باید به‌عنوان معیار ارزیابی این حادثه قرار گیرد. آنچه در اینجا رخ داده، وقوع یک قتل و ترور و کشتن عامدانه و در نتیجه نقض حق حیات است. حق حیات از حقوق بنیادین بشر است که منزلت آن حتی در حقوق بشردوستانه و زمان جنگ نیز گسترش یافته است. به طریق اولی، سلب حق حیات اشخاص به صورت فراقضایی و خود سرانه ممنوع بوده و نقض فاحش و آشکار حقوق بشر تلقی می‌شود.

نکته دیگر اینکه بر طبق قواعد حقوق بشردوستانه، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین تنها در زمان مخاصمه مسلحانه مجاز است. شکی نیست که استفاده از این هواپیماها در زمان صلح در راستای عملیات تروریستی و ارتکاب قتل هدفمند، نقض آشکار قاعده آمره حقوق بین‌الملل به خصوص مقررات کنوانسیون شیکاگو است که مورد تأیید گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل نیز است. از این رو، استفاده از پهپادهای نظامی مصداق نقض آشکار حاکمیت و تمامیت ارضی دولت عراق بوده است؛ زیرا استفاده از نیروی مسلح مغایر با شروط مقرر در توافقنامه امنیتی سوفا است.

به باور نگارنده، توصیف حمله نظامی آمریکا در ترور سردار سلیمانی به دستور مستقیم شخص دونالد ترامپ یا دیگر مقامات کشوری و لشکری درگیر در این حادثه، واجد توصیف اعمال مجرمانه مندرج در کنوانسیون نیویورک است و محاکم قضایی آمریکا، عراق و ایران صلاحیت قضایی برای تعقیب و محاکمه و مجازات عاملان این جنایت را

دارند. به علاوه می‌توان به مقررات کنوانسیون مأموریت‌های ویژه (۱۹۶۹) مراجعه کرد که به موجب آن دولت‌ها مکلف هستند اینگونه اقدامات را در قوانین داخلی خود جرم‌انگاری کنند و مرتکبان را مجازات و نسبت به استرداد آنها با یکدیگر همکاری کنند.

پیشنهادات:

- به استناد کنوانسیون نیویورک ۱۹۷۳ ارجاع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی امکان طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) برای دولت‌های ایران و آمریکا و عراق فراهم است؛ بنابراین نظام قضایی ایران و عراق باید به استناد کنوانسیون مزبور اقدام کند.
- برای پیگیری حقوقی این حادثه می‌توان از ظرفیت نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد از جمله شورای حقوق بشر و طرح شکایت در کمیته حقوق بشر به‌عنوان نهاد معاهده‌ای ناظر بر میثاق حقوق مدنی و سیاسی بهره گرفت.
- در سطح داخلی کشورها، طرح دعوا در محاکم کشور عراق به دلیل نقض توافقنامه امنیتی سوفا و قوانین ضدتروریسم عراق وجود دارد؛ به‌علاوه امکان طرح شکایت بر مبنای قوانین داخلی در محاکم کشور آمریکا و به‌ویژه ایران فراهم است.
- ایجاد یک دادگاه ویژه مشترک منطقه‌ای (ad hoc) با مشارکت سه کشور ایران، عراق و سوریه در خاک عراق می‌تواند در پیگیری قضایی این پرونده بسیار کمک نماید.

با توجه به اقرار مقامات کاخ سفید، دولت ایالات متحده مسئولیت عملیات پهپادی را که منجر به شهادت سردار سلیمانی و همراهان ایشان شد، برعهده دارد و به موجب ماده ۳۴ طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) باید نسبت به جبران خسارات کامل مادی و معنوی اقدام کند.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- آهنی امینه، محمد و ظریف، محمدجواد (۱۳۹۱)، قتل هدفمند، مبانی متعارض در حقوق بین‌الملل، با تأکید بر عملیات قتل هدفمند ایالات متحده آمریکا، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، ش ۴، صص ۱-۲۹.
- بذار، وحید و امینی، اعظم (۱۳۹۹)، امکان‌سنجی پیگیری قضایی ترور سردار سلیمانی در دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱-۲۴.
- حاتمی، مهدی (۱۳۹۷)، نقدی بر نظریه قتل‌های هدفمند دولت آمریکا در پرتو رویه و اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هجدهم، ش ۵، صص ۱۳۱-۱۵۴.
- خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۹)، امکان‌سنجی تعقیب کیفری آمران ترور سردار سلیمانی، ویژه‌نامه شهادت سردار سلیمانی - دوره ۷، شماره ۲ شماره پیاپی ۲۴ تیر ۱۳۹۹، صص ۲۵-۶۲.
- دلخوش، علیرضا و رستمی‌نژاد، امید (۱۳۹۳)، تحول در اصل منع توسل به زور در حقوق بین‌الملل، انتشارات مجد.
- رشیدی، مهناز و علی مشهدی (۱۳۹۹)، مهم‌ترین راهکارهای حقوقی ج.ا.ایران در واکنش به ترور سردار قاسم سلیمانی، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره هفتم، ش ۲، صص ۶۵-۸۹.
- رضایی، صالح (۱۳۸۷)، رابطه ضرورت‌های نظامی و اصول بشردوستانه در حقوق مختصات مسلحانه؛ توازن یا تحدید، نگین ایران، تابستان ۱۳۸۷ - شماره ۲۵، صص ۹ تا ۱۴.
- رضائی قوام آبادی، محمد حسین و پیری، حیدر (۱۳۹۷)، مشروعیت مداخله نیروهای ائتلاف علیه داعش در عراق و سوریه در چارچوب حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۵۸، صص ۲۱۵-۲۳۸.
- شیرزاد، علی (۱۴۰۰)، ترور شهید سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات بزرگداشت دومین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی، صص ۱۱-۳۷.
- صادقی حقیقی، دیدخت (۱۳۹۰)، تحول در مفهوم اصل عدم مداخله در حقوق بین‌الملل، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۶ - شماره پیاپی ۱۶، صص ۹۳-۱۲۸.

- طباطبایی لطفی، سید احمد و شارق، زهراسادات (۱۳۹۵)، بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش از منظر حقوق بین‌الملل در سوریه، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۶، ش ۱، صص ۱۷۹-۲۰۱.
- عزیز، ستار (۱۳۹۹)، قتل هدفمند از نگاه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی ترور فرمانده نیروی قدس سپاه، *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، سال ۶، شماره دوم، صص ۱۲۵ تا ۱۵۰.
- عوض‌پور، صمصام (۱۳۹۵)، مفهوم و ابعاد ضرورت نظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، *کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس*.
- فضایی، مصطفی (۱۳۹۹)، ترور شهید سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل و توسل به زور، *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، دوره هفتم، ش ۲، صص ۱۵۱-۱۸۸.
- قاسمی، غلامعلی و محمد ستایش پور (۱۳۹۹)، مسئولیت بین‌المللی آمریکا در شهادت سردار سلیمانی، *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، دوره هفتم، ش ۲، صص ۱۹۱-۲۱۵.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷)، *حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مجد، نبی اله و سواری، حسن (۱۴۰۰)، قواعد حقوقی حاکم بر پرواز هواپیماهای بدون سرنشین در نبردهای هوایی از منظر حقوق بین‌الملل، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۵۱، شماره ۳، صص ۱۲۰۳-۱۲۲۱.
- نواده توپچی، حسین (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل هوایی بررسی کنوانسیون شیکاگو، تهران: نشر خرسندی.

ب. منابع انگلیسی

- Alston, Philip, (۲۰۱۱). The CIA and Targeted Killings Beyond Borders, ۲ *Harv. Nat'l Sec. J.* ۲۸۳. Pp ۲- ۱۱۷.
- Barker, J. Craig. (۲۰۱۱). **The Protection of Diplomatic Personnel**, Ashgate Publishing.
- Callamard, Agnes, (۲۰۲۰), Twitter, Available at: <https://twitter.com/agnescallamard/status/۱۲۱۲۹۱۸۱۵۶۰۹۶۸۶۴۷۶۸?lang=en>, (۲۰۲۰).
- Den Hole, Leo Van, (۲۰۰۳). Anticipatory Self-defense under International Law, *American University International Law Review*, Volume ۱۹, Issue ۱. Pp.۶۹-۱۰۶.
- Gill, (۲۰۰۶). The Temporal Dimension of Self Defense: Anticipation, Pre-emption, Prevention and Immediacy, *Journal of Conflict and Security Law*, vol:۱۱, Issue:۳. Pp.۳۶۱-۳۶۹.
- Guiora, Amos (۲۰۰۴), "Targeted Killing as Active Self-defense," Case Western University, *Journal of International Law*, Vol: ۳۶., pp. ۳۱۹-۳۳۰.

- Mettraux, Guénaël; Dugard, John & du Plessis, Max, (۲۰۱۸). Heads of State Immunities, International Crimes and President Bashir's Visit to South Africa, *International Criminal Law Review*, Vol. ۱۸, Issue. ۴.
- O'Connell, Mary Ellen. (۲۰۲۰). **The Killing of Soleimani and International Law**, <https://www.ejiltalk.org>.
- Ronzitti, Natalino (۲۰۰۶). The Expanding Law of Self-Defense, *Journal of Conflict and Security Law*, vol: ۱۱, Issue: ۲. Pp. ۳۴۳-۳۵۹
- Ruys, tom (۲۰۱۰). **Armed attack and Article ۵۱ of the UN Charter: Evolution in Customary Law and Practice**, U.K. Cambridge University Press.
- Shaw, Malcolm N., (۲۰۰۸). **International Law**, Cambridge University Press, sixth edition.
- Stein, Yael (۲۰۰۳). By Any Name Illegal and Immoral, *Ethics and International Affairs*, Vol: ۱۷, Issue: ۱. pp. ۱۱۱-۱۲۶;
- Swart, Mia, (۲۰۲۰). **To Stop a War: Did Soleimani Killing Violate International Law? Experts Agree use of Self-defense as Justification for Killing Soleimani**. <https://www.aljazeera.com/news/۲۰۲۰/۱/۲۰/to-stop-a-war-did-soleimani-killing-violate-international-law>

ج. اسناد بین المللی

- Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons, Including Diplomatic Agents, Annexed to General Assembly resolution ۳۱۶۶(XVIII) (۱۴ December ۱۹۷۳).
- Convention on Special Missions, Adopted by General Assembly of the United Nations, ۸ December ۱۹۶۹.
- ICJ, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), ۲۷ Jun ۱۹۸۶.
- ICJ, "Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons", (Advisory Opinion of July ۸, ۱۹۹۶), ۳۵ ILM ۸۰۹ & ۱۳۴۳.
- ICJ, "Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, ICJ GL No ۱۳۱, [۲۰۰۴] ICJ Rep ۱۳۶, (۲۰۰۴).
- Convention on Special Missions, ۱۹۶۹